

جفری کمپ:

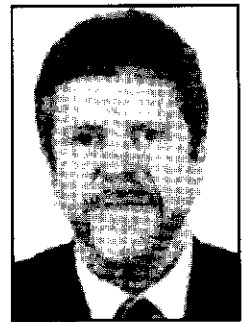
دولت بوش باید برای معامله با محافظه کاران عملگرا آماده شود!

مقابل محافظه کاران دست یابند. آنچه مورد نیاز است این است که رابطه با آمریکا دیگر «عنصر جنجالی و اختلافی» (third rail) در عرصه سیاسی ایران نباشد. در حال حاضر هر فرد یا گروهی که از برقراری روابط بهتر با ایالات متحده طرفداری کند بلافاصله مورد حمله و تهدید محافظه کاران قرار می‌گیرد. البته این احتمال کاملا وجود دارد که برخی از محافظه کاران عملگراتری در ایران وجود داشته باشند که آماده‌اند تا روابط کشور با آمریکا را به سمت یک تحول گشایشی مثبت سوق دهند، مشروط به اینکه انجام این کار را برای حفظ و تداوم کنترل خویش بر نهادهای اقتصادی، سیاسی، و امنیتی کشور مفید تشخیص دهند. از آنجایی که اصلاح طلبان از حمایت عظیم مردمی برخوردارند محافظه کاران در موضع دفاعی قرار

وجود دارد، چه رسد به اینکه راه حل آنها کدام است. با تمام این تفاسیل، یافتن راهی برای نزدیکی متقابل، به منافع بلندمدت هر دو کشور ایران و ایالات متحده خدمت می‌کند.

ایران به لحاظ وسعت، جغرافیا و منابعی که از آنها برخوردار است اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار مهمی دارد. ایران در زمان رژیم پهلوی یک ستون کلیدی استراتژی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شد.

وجود روابط بهتر میان ایران و آمریکا باعث افت سطح روابط روسیه و ایران شده و دروازه بخش انرژی ایران را بروی ایالات متحده و سایر کمپانی‌های بین‌المللی می‌گشاید. تحت چنین شرایطی برای هر دو کشور رسیدن به سازش و تفاهم در مورد فرآیند صلح خاورمیانه و نیز مسایل

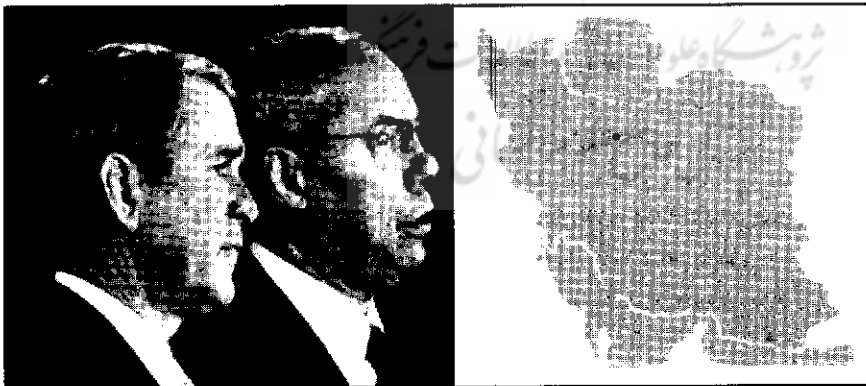


نویسنده: جفری کمپ

اشاره:

نام جفری کمپ برای مردان دیپلماسی و آگاهان مسایل خارجی نامی آشناست. وی در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان از تدوین کنندگان استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده بود. نظرات وی به لحاظ تجربه و اعتبار وی در نزد سیاستمداران و سیاستگذاران آمریکایی قابل توجه بوده و توجه به این نظرات برای مردان دیپلماسی کشورمان دارای اهمیتی فراوان است. با اشاره به این نکته که ممکن است برخی نظرات نویسنده مورد تایید مجله گزارش نباشد، نظر خوانندگان محترم را به تازه‌ترین مقاله جفری کمپ در باب چگونگی رفتار سیاست خارجی دولت جدید آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران جلب می‌کنیم. لازم به ذکر است که به دلیل کمبود وقت این مقاله به طور خلاصه ترجمه شده است.

ایران تنها کشور جهان است که از داشتن تماس مستقیم و رسمی با مقامات آمریکایی امتناع می‌کند. حتی مقامات کوبایی و کره شمالی نیز از ایالات متحده دیدن می‌کنند، همان گونه که مقامات اتحاد شوروی سابق در زمان اوج جنگ سرد چنین می‌کرد. تا زمانی که این مانع بنیادین دیپلماتیک برطرف نشود فمیدین این موضوع بسیار دشوار است که چه تعداد مساله اختلافی میان دوطرف



دارند. محافظه کاران به این امید دل بسته‌اند که در صورت استمرار وخامت اوضاع اقتصادی و مقصر دانسته شدن خاتمی و اکثریت طرفدار وی در مجلس به خاطر وضعیت دشوار اقتصادی، در اوضاع و احوال کنونی حاکم بر روابط ایران و آمریکا گشایش و تغییری پدید آید.

زمانی که ایالات متحده و ایران آماده گفتگو بایکدیگر باشند، شش حوزه اختلافی باید مورد

مربوط به تکثیر سلاح کشتار جمعی آسان تر شده و فشارهای منطقه‌ای بر رژیم صدام حسین در عراق را افزایش خواهد داد.

تا زمانی که بحران سیاسی (فعلی) میان اصلاح طلبان و محافظه کاران ایرانی فروکش نکند هیچ تحول عمده‌ای در روابط ایران و آمریکا قابل تصور نخواهد بود. این امر مستلزم آن نیست که اصلاح طلبان به یک پیروزی قاطع و کوبنده در

مذاقه و بررسی قرار گیرد:

- ۱- تظلمات و شکایات تاریخی
 - ۲- تروریسم
 - ۳- حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس
 - ۴- برنامه های تسلیحاتی ایران
 - ۵- مخالفت ایران با اسرائیل و فرایند صلح
 - ۶- تحریم های آمریکا علیه ایران در حوزه انرژی از انجایی که پرداختن به مشکلات مربوط به «حوزه های اختلافی» دشوار است، شاید برای دو کشور بهتر آن باشد که نخست روی مسایل مربوط به «حوزه های تفاهمی» کار شود. مسایلی که احتمال توافق و همسویی دو طرف در مورد آنها بیشتر است عبارتند از:
 - ۱- بهبود شرایط در بخش صدور ویزا برای مسافرت اتباع دو طرف به کشور مقابل
 - ۲- همکاری در حوزه مبارزه با مواد مخدر
 - ۳- ثبات جنوب آسیا
 - ۴- برنامه های تسلیحاتی صدام حسین
 - ۵- پروژه های مشترک انرژی
 - ۶- تبادلات فرهنگی و غیررسمی
- برای درک بهتر دشواری هایی که بر سر بهبود روابط و نزدیکی دو کشور قرار دارد، بسیار مفید است که تحولات و رویدادهای سه سال اخیر ایران مورد بازبینی قرار گیرد و به امیدوارکننده یا یاس آور بودن این تحولات توجه شود.
- تا روز بیست و سوم مه ۱۹۹۷ (دوم خرداد ۱۳۷۶)، روز انتخاب غیرمنتظره خاتمی به ریاست جمهوری ایران، سیاست دولت کلینتون در اقبال تهران سیاستی تنبیهی و خشن بود. اگرچه ایالات متحده طرفدار گفتگو با مقامات و نمایندگان ایرانی صاحب جواز برای مذاکره بود، اما در هفته های مانده به انتخابات (دوم خرداد ۱۳۷۶) ایالات متحده بر شدت فشارهای خود افزود، به این امید که کشورهای کلیدی اتحادیه اروپایی را در اتخاذ گام هایی قاطعانه تر علیه رژیم حاکم بر تهران با خود همراه سازد. انگیزه این رفتار تصمیم اخذ شده توسط دادگاه های آلمان در آوریل ۱۹۹۷ علیه ایران بود. تا آن زمان اروپایی ها سیاست سازش و مفاهمه طلبی خود در برابر ایران را زیر تابویی «گفتمان انتقادی» (با تهران) تعقیب کرده بودند؛ گفتمان انتقادی مفهومی بود که در نشست سران اتحادیه اروپایی در ادینبرگ در دسامبر ۱۹۹۲ متولد گردید.
- انتخاب خاتمی به تمام امیدها برای اتخاذ اقدامات تنبیهی بیشتر پایان داد و به ضرورت**

بازبینی ایالات متحده در سیاست های خویش در قبال ایران دامن زد. در تابستان ۱۹۹۷ بحث شدیدی بر سر این موضوع به راه افتاد که ایالات متحده چگونه باید سیاست خود در قبال ایران را تغییر دهد، در حالی که هنوز هیچ تحول بنیادینی در ایران اتفاق نیفتاده بود و تنها رییس جمهوری جدیدی روی کار آمده بود که لبخند می زد. با تمام این تفاسیل وقتی خاتمی در مصاحبه با شبکه CNN در ژانویه ۱۹۹۸، خواستار ایجاد نفوذ و شکاف انداختن در دیوار بی اعتمادی از طریق مبادله نویسندگان، محققین، هنرمندان و متفکرین میان ایالات متحده و ایران شد، همگان، حتی مخالفان محافظه کار خویش را به حیرت واداشت. ایراد این سخنان در آمریکا با ابراز احساسات شدید همراه بود و چندین تن از نمایندگان کنگره و تعداد زیادی از سازمان های غیردولتی برای سفر به ایران تقاضای روادید نمودند.

بلندپایه ترین مقام آمریکایی که از طرف آمریکا به ایران واکنش نشان داد، مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه بود. آلبرایت در ژوئن ۱۹۹۸ از ایران و آمریکا دعوت کرد تا دیوارهای بی اعتمادی میان خود را از میان بردارند تا «ما (آمریکایی ها) بتوانیم هرگاه که ایران آماده بود، نقشه رسیدن به روابط عادی با جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نماییم.» پاسخ ایران به این دعوت یک چیز بود: سکوت. در واقع هرگاه که آمریکابه طور رسمی خواستار برقراری روابط بهتر با ایران شده است، دولت خاتمی دادن پاسخ آشکار به دعوت آمریکا، حداقل در عرصه عمومی و آشکار را دشوار یافته است.

امیدهای موجود برای بهبود روابط میان دو کشور در سال ۱۹۹۸ یا ۱۹۹۹ جامه عمل به خود نپوشیدند. سال ۱۹۹۹ شاهد برخورد انقباضی و انسدادی محافظه کاران با مطبوعات اصلاح طلب بود و در همین سال بزرگترین شورش ایران در سال های پس از پیروزی انقلاب و سرکوب آن به وقوع پیوست. در خلال پاییز ۱۹۹۹ این ترس وجود داشت که محافظه کاران اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید کرده و شاید به کودتا و یا حداقل به لغو انتخابات پارلمانی فوریه ۲۰۰۰ متوسل شوند. با این حال انتخابات مجلس (در ۲۹ بهمن ۷۸) برگزار شد و بار دیگر محافظه کاران شکست فاحشی را متحمل شدند. این انتخابات وجود زمینه قدرتمند اصلاحات در نزد مردم ایران را اثبات کرد.

نبردهای سیاسی در داخل ایران، اگر چه برحسب استانداردهای حاکم بر خاورمیانه، حالتی باز و کثرت گرایانه دارند، اما این مناقشات در کشوری اتفاق می افتند که با تورم اقتصادی، بیکاری فزاینده و اقت محسوس استانداردهای زندگی مردم روبروست. با این وجود، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق نشانگرهای اقتصادی از وخامت اوضاع و نزدیک بودن یک بحران اقتصادی در ایران خبر می دهند، افزایش قیمت نفت در طول ۱۸ ماه گذشته باعث عقب افتادن وقوع بحران شد. این به معنای مرتفع شدن بحران و اتفاق نیفتادن آن نیست و وقوع بحران در ایران تنها برای مدتی به تعویق افتاده است.

بحثهایی نظیر دست داشتن سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در کودتای ۱۹۵۳ علیه حکومت دکتر مصدق، وجود این باور اشتباه در نزد ایرانیان که فکر می کنند میلیاردها دلار از دارایی های ایران در آمریکا هنوز در کنترل ایالات متحده است و اعمال تحریم ها از سوی آمریکا علیه ایران در پروژه های انرژی در منطقه دریای خزر بر عرصه روابط ایران و آمریکا سایه انداخته اند. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و کارشکنی های واشنگتن بر سر راه استفاده ایران از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح جویانه نیز مزید بر علت می باشند.

ایدئولوژی های محافظه کاران آمریکا را خطری بقای رژیم اسلامی تهران می دانند. ایران با دشمنان سابق خود نظیر عربستان سعودی و انگلیس روابط را از سر گرفته و به روی اروپایی ها آغوش گشوده است، اما ایالات متحده و اسرائیل دو کشوری هستند که در انتهای لیست کشورهای طرف رابطه و در صدر لیست دشمنان ایران قرار دارند. محافظه کاران ایرانی به نفوذ فرهنگی آمریکا به دیده یک تهدید بزرگ می نگرند. برای **تندروهای واقعی پذیرش رابطه با ایالات متحده و به نوعی با اسرائیل، به معنای پایان انقلاب (اسلامی) است.** از این حیث، ترس محافظه کاران از آمریکا کاملاً مشروع است. باز کردن درهای کشور به روی ایالات متحده با برچیده شدن انقلاب ایران در بحبوحه گردهم های سیاسی و فرهنگی غیر قابل توقف، همراه خواهد بود.

تا زمانی که محافظه کاران اهرم های کلیدی قدرت را در دست داشته باشند و این اطمینان در نزد آنان وجود داشته باشد که وجود روابط نزدیک تر میان ایران و آمریکا و پدیدایش جامعه ای

با صلح خاورمیانه، تا حصول پیشرفت بیشتر در جبهه مذاکرات اسرائیلی - فلسطینی و اسرائیلی - سوری بعید به نظر می‌رسد. با پیشرفت مذاکرات مزبور، ایران می‌تواند به این استنتاج برسد که کنار گذاشتن مخالفت با اسرائیل و استفاده از مزایا و منافع واشنگتن به نفع تهران است.

ممکن است که دولت جدید با وضعیتی دشوار روبرو شود و آن هنگامی است که فرایند صلح اعراب اسرائیل به شکست منتهی شود. این امر می‌تواند به اوج گرفتن خشونت‌های ضد اسرائیلی کمک کند و درچنین حالتی ایران از این شرایط استقبال و حمایت خواهد کرد. در چنین اوضاع و احوالی هیچ شانس برای پیشرفت در حوزه روابط ایران و آمریکا باقی‌نمی‌ماند و نه تنها احتمال استمرار تحریم‌ها، بلکه احتمال تشدید آنها تقویت خواهد شد.

محافظه کاران هم می‌توانند عملگر باشند!

در نبود تحولات بنیادین در نگرش‌ها و سیاست‌های دو طرف ایرانی و آمریکایی، بهترین انتظاری که طی ماه‌های آتی می‌توان داشت آن است که دو کشور به حرکت در مسیر تعامل محدود و آهسته ادامه دهند. این امر نباید باعث شود برخی اقدامات نظیر برچیدن مقررات دست و پاگیر مربوط به صدور روادید میان دو کشور انجام نشود. ایالات متحده باید در بحث انگشت نگاری از مسافران ایرانی تجدیدنظر کند و به غیر از برخی موارد استثنایی، آن را کنار بگذارد. همچنین آمریکا باید به ایران یادآور شود که امتناع تهران از دادن اجازه آمدن یک مقام سطح پایین آمریکایی به ایران به منظور رسیدگی به انبوه تقاضاهای روایتی مانعی بر سر راه بهبود روابط می‌باشد.

دولت جدید (جرج دبلیو بوش) باید به وسوسه‌های احتمالی برای موضع‌گیری در قبال مبارزات و مناقشات سیاسی داخلی ایرانی پاسخ ندهد و آماده باشد تا در صورت لزوم با محافظه کاران عملگرا و پراگماتیک وارد معامله شود، مشروط به آنکه محافظه کاران مزبور آمادگی بیشتری باید تغییر سیاست‌ها در ایران داشته باشند.

تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که حتی سرسخت‌ترین ایدئولوگ‌ها نیز به هنگام لزوم نیاز به تغییر و تحول را درک می‌کنند.

منبع: Washington

Quarterly (winter 2001)

مترجم: کیمیا امینی

حسین از زیر بار تحریم‌ها و انزوا دشوارتر خواهد ساخت.

بغداد، به ویژه در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی، برای هر دو کشور ایران و آمریکا یک تهدید است و دو کشور مزبور، حداقل در بعد نظری، باید در برخورد با عراق با یکدیگر همکاری داشته باشند. جالب اینجاست که یکی از شرایط عمده آمریکا برای روابط بهتر با تهران آن است که ایران برنامه خود برای ساخت و تولید سلاح‌های کشتار و انهدام جمعی را کنار بگذارد. از آنجایی که عراق هنوز یک تهدید است، انتظار آمریکا از ایران غیرواقعی بینانه است. بنابراین بسیار مهم است که ایالات متحده سبک و محتوای سیاست فعلی خود در قبال ایران را مورد بازبینی یکجانبه قرار دهد.

از آنجایی که ایرانیان به «سورپریز» علاقه ندارند، لذا سخنان وزرای خارجه آمریکا و اعلام اتخاذ اقدامات یکجانبه برای بهبود روابط، چندان مورد استقبال تهران قرار نگرفته است. با در نظر گرفتن مشکلات داخلی، خاتمی دریافت است که پاسخ دادن به تحرکات آمریکا بسیار دشوار است. این پیامی بود که وی در جریان سفر اخیر خود به آلمان (۲۰۰۰) مستقیماً به مقامات آلمانی منتقل نمود. به علاوه، ایرانیان اقدامات طرف آمریکایی در موضع‌گیری در قبال مسایل داخلی ایران و جانبداری از یک طرف در مقابل دیگری را غیر سازنده می‌دانند. در بعد سبک رفتاری دولت جدید آمریکا در قبال ایران، موارد فوق باید اصلاح شوند، بدون آنکه سیاست خارجی واشنگتن در قبال تهران تغییر یابد یا مخالفت‌های آمریکا با برخی از رفتارهای دفاعی و سیاست خارجی ایران کنار گذاشته شود.

ایرانیان صاحب نفوذ می‌گویند زمانی که ایالات متحده و ایران روابط اقتصادی خوبی را از سر گیرند، بدین معنا که تحریم‌ها بر علیه ایران پایان یابند، برای محافظه کاران بسیار دشوار خواهد بود که از آمریکانصوبی منفی و منفور ارایه کنند.

با این حال مشکل بتوان تصور کرد که دولت جدید بتواند تحریم‌های نفتی ایران را لغو کند، پیش از آن که ایران نیز متقابلاً برای آماده‌سازی زمینه این کارگام‌هایی بردارد. عدم مخالفت با فرآیند صلح خاورمیانه و نیز تجدید نظر در مورد برخی تصمیمات داخلی، مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که تهران می‌تواند در آنها دست به اقدام بزند. البته کنار گذاشته شدن مخالفت علنی تهران

بازتر به معنای بازنده بودن آنهاست، آنان از هر روش و وسیله‌ای که لازم باشد برای عقب انداختن روز بازگشت «شیطان بزرگ» به تهران، استفاده خواهند کرد. بنابراین باید منتظر بود که یا اصلاح‌طلبان به اهرم‌های واقعی قدرت دست یابند یا محافظه کاران به این برداشت برسند که روابط بهتر با ایالات متحده برای حفظ آنان از نابودی و اضمحلال ضروری است.

گزینه‌های محدود: دولت جدید آمریکا چه باید بکند؟

بدون توجه به اینکه آیا خاتمی بر محافظه کاران پیروز شود یا خیر، بعید به نظر می‌رسد که تحول قابل توجهی در سیاست دولت جدید آمریکا در قبال ایران پدید آید، مگر آنکه دو شرط اساسی آمریکا از سوی ایران تامین گردد:

۱. ایران با انجام گفتگوهای رسمی با مقامات آمریکایی موافقت کند.
۲. ایران مخالفت علنی خویش با روند صلح اعراب - اسرائیل را کنار بگذارد. اگر موضوع رابطه تهران با آمریکا، «عنصر جنجالی و اختلافی در عرصه سیاسی ایران است، موضوع رابطه واشنگتن با اسرائیل نیز «مجرای سوم» در عرصه سیاسی آمریکاست. از زمان بحران گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی در ۱۹۷۹ مخالفت و دشمنی ایران با اسرائیل بیش از هر عامل دیگری بر وجهه و تصویر ایران در نزد مردم آمریکا و به خصوص، نمایندگان کنگره، تأثیر منفی گذاشته است.

ایرانیان اصرار دارند که قبل از ورود به گفتگوی رسمی، نخست آمریکا باید گام‌هایی برای نشان دادن حسن نیت بردارد، مثلاً داریی‌های ایران در آمریکا آزاد شده یا آمریکا به واسطه رفتار گذشته خود از ایران عذرخواهی کند.

بسیار بعید به نظر می‌رسد که دولت جدید (جرج دبلیو بوش) آمادگی دادن امتیازات و یا انجام اعترافات فوق را داشته باشد، به طور حتم در روزهای اولیه آغاز به کار این دولت این آمادگی وجود نخواهد داشت. زمانی می‌توان برای این مدعا استثنا قابل شد که دولت جدید تصمیم بگیرد به جای فرآیند صلح اعراب - اسرائیل، عراق را در صدر اولویت‌های خاورمیانه‌ای خویش قرار دهد. در چنین حالتی بسیار محتمل است که آمریکا نگرش و موضع منعطف‌تری در قبال ایران اتخاذ کند.

منطق این بهبود نگرش هم آن است که روابط بهتر تهران و واشنگتن شرایط را برای فرار صدام